

Corona's Epidemic Crisis and Its Impact on Social Capital and Political Trust in Iran

Hamed Ameri Golestani^{*}, Bizhan Mirzaee^{}**

Farzaneh Dashti^{*}**

Abstract

Corona's omnipotence put governments in a critical position while they did not expect such a situation at all. This epidemic has not only medical posed a real threat, but has also targeted the effectiveness of government policies. In the meantime, the adoption of appropriate policies to deal with this crisis has, above all, returned to a fundamental category: social capital. Social capital and the political trust that accompanies it, most of all, help governments, and its scarcity is fundamentally detrimental to their policy of curbing the all-encompassing crisis. In Iran, too, the government found itself in such an unfavorable and critical situation. Although many governments were in a similar situation, reducing social capital in Iran, which had emerged from previous and recent crises, made it even more difficult. Did. In this article, while examining the category of social capital and political trust, the example of the Iranian government will be mentioned and the question will be asked: What are the consequences of the reduction of the government's social capital in Iran in the issue of Corona epidemic? And according to studies, this decline has

* Assistant Professor, Department of Political Sciences, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), hamed.ameri@gmail.com

** Teacher, Department of Political Sciences, Khoramabad Branch, Islamic Azad University, Khoramabad, Iran, Bizhan_mirzaee@yahoo.com

*** PH.D in Political Sciences, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, farzanehdashti30@yahoo.com

Date received: 15/07/2021, Date of acceptance: 01/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

been largely due to previous crises, political distrust and inefficiency of the government in its macro-policies.

Keywords: Political trust, Iran, Crisis ,Corona epidemic, social capital.

بحران همه‌گیری کرونا و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی در ایران

حامد عامری گلستانی*

بیژن میرزائی**، فرزانه دشتی**

چکیده

همه‌گیری کرونا، دولت‌ها را در موقعیتی بحرانی قرار داد در حالی که آن‌ها به هیچ وجه منتظر چنین وضعیتی نبودند. این همه‌گیری، فقط یک خطر بالفعل پزشکی نبوده، بلکه کارآمدی سیاست‌های دولت‌ها را هدف گرفته است. در این میان، اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت برخورد با این بحران، بیش از همه به یک مقوله بنیادین باز می‌گشت: سرمایه اجتماعی. سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی همراه آن، بیش از همه دولت‌ها را یاری کرده و کمبود آن لطمه اساسی به سیاستگذاری آن‌ها در مهار بحران همه‌گیری می‌زند. در ایران نیز، دولت در وضعیتی نامساعد و بحرانی با این همه‌گیری مواجه شد، اگرچه در این زمینه بسیاری از دولت‌ها وضعیتی مشابه داشتند، اما، کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، که از بحران‌هایی پیشین و نزدیک نشئت گرفته بود، کار را برای آن دشوارتر کرد. در این مقاله، ضمن بررسی مقوله سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی، به نمونه دولت ایران اشاره

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)،

hamed.ameri@gmail.com

** مربی گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران،

Bizhan_mirzaee@yahoo.com

*** دکترای علوم سیاسی، مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

farzanehdashti30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

خواهد شد و این پرسش مطرح خواهد شد که: کاهش سرمایه اجتماعی دولت در ایران، در مسئله همه‌گیری کرونا، چه عواقبی داشته است؟ و مطابق بررسی‌ها، این کاهش بیش از هر چیز ناشی از بحران‌های پیشین، عدم اعتماد سیاسی و ناکارآمدی دولت در سیاست‌گذاری‌های کلان خود بوده است.

کلیدواژه‌ها: اعتماد سیاسی، ایران، بحران، همه‌گیری کرونا، سرمایه اجتماعی.

۱. مقدمه

همه‌گیری کرونا، یکی از غافل‌گیرکننده‌ترین وقایعی بود که بشر طی قرن پیش و حاضر دیده و هنوز به یاد داشت و شاید بعد از جنگ جهانی دوم، این «موقعیت بحرانی» برای آن به وجود نیامده بود. در این میان، تأثیرات این همه‌گیری بسیار زیاد و در جوانب مختلفی بود و بیش از همه گریبان دولت‌ها را گرفت. دولت‌ها، در صف مقدم مبارزه با کرونا و نیز پیش‌گیری از شیوع آن بودند. همچنین آسیب‌های ناشی از در پیش گرفتن سیاست‌های قرنطینه که به کسب و کارها آسیب زده بود، مسئولیت دولت‌ها را بیشتر کرد و در عین حال، «کارآمدی» آن‌ها به آزمود. وجه دیگر این مقوله، ارتباطی بود که این همه‌گیری در ارتباط میان جامعه و دولت ایجاد کرد و در این میان، دو مقوله به هم پیوسته مورد نظر و توجه قرار گرفتند: «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد سیاسی». سرمایه اجتماعی که ترکیبی از اعتماد، مشارکت و شبکه است، در بحران کرونا به آزمونی برای دولت‌ها تبدیل شد. این‌که دولت‌ها بتوانند هم با سرمایه اجتماعی خویش بر بحران غلبه کنند و هم اینکه تا چه حد این بحران بر سرمایه اجتماعی آن‌ها تأثیر داشته است، دو روی سکه این آزمون مهم بودند. بحران‌ها، موقعیت‌هایی استثنایی، اما، تأثیرگذار در روندها هستند. روندهای سیاسی در بحران‌ها شکل و رنگ و بوی خاصی به خود می‌گیرند و از این‌رو، می‌توان همه‌گیری را بحرانی دانست که روندهای سیاستگذاری را در مورد غلبه و کنترل و پیش‌گیری از آن، مجدداً بازتعریف کرد. در این بازتعریف، این، سرمایه اجتماعی بود که می‌توانست ضمن برانگیختن مشارکت همگانی در مهار آن، روند سیاستگذاری را تسریع و با بازسازی سریع شبکه‌های اجتماعی، به دولت در این زمینه کمک کند. در نتیجه، دولت‌هایی که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری بودند، در مهار بحران «کارآمد»تر نشان دادند.

درباره ایران، اما، آسیب‌هایی که در سال‌های اخیر بر سرمایه اجتماعی دولت وارد شده است، راه آن را برای سیاست‌گذاری‌های مداوم و نیز کارآمد، تا حدی، بعضاً زیاد، بست. در ایران، از همان ابتدایی که سخن از همه‌گیری ایجاد شده، جوی از بی‌اعتمادی به دولت نیز به وجود آمد. دولت، که اندکی پیش از آنف چند بحران را از سر گذرانده و سطح پایینی از اعتماد عمومی را با خود می‌دید، تلاش مضاعفی به خرج می‌داد تا بتواند افکار عمومی را به پذیرش سیاست‌های اتخاذ شده‌اش راضی کند. در این میان، کسری بودجه، مشکلات ناشی از تحریم، عدم قاطعیت در تصمیم‌گیری، وجود شبکه‌های اجتماعی موازی با شبکه‌های رسمی و بی‌اعتمادی به شبکه‌های رسمی در ابتدای همه‌گیری، همه و همه دست به دست هم دادند تا دولت با کاهش سرمایه اجتماعی خود در مواجهه با بحرانی که به هیچ وجه آمادگی مقابله با آن را نداشت، ببیند. این مقاله، به دنبال آن است که به این پرسش پاسخ دهد که کاهش سرمایه اجتماعی دولت در ایران، در مسئله همه‌گیری کرونا، چه عواقبی داشته است؟ و مطابق بررسی‌ها، این کاهش بیش از هر چیز ناشی از بحران‌های پیشین، عدم اعتماد سیاسی و ناکارآمدی دولت در سیاست‌گذاری‌های کلان خود بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

خضری (۱۳۸۵)، در پی آن است تا اهمیت سرمایه اجتماعی را در حکمرانی خوب و شکنندگی و آسیب‌پذیری آن در برابر رفتار و اقدامات دولت برجسته کند. سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه مرفه و دولت کارآمد است و در سایه حفظ، تقویت و انباشت این منبع ارزشمند است که جامعه می‌تواند از دستاوردهای توسعه و حکمرانی خوب بهره‌مند شود. از این رو، دولت نه فقط باید پیامدهای اقداماتش بر سرمایه اجتماعی را ارزیابی کند، بلکه لازم است همواره محیط اجتماعی اعتمادآوری را فراهم آورد که اعتمادپذیری، تمایل به حفظ قول و قرارها، تمایل به همکاری و همیاری و واردشدن در شبکه‌های اجتماعی را برای اعضای جامعه سودمند و معنادار سازد. به اعتقاد نگارنده، سرمایه اجتماعی با تعدیل یا از مطلوبیت انداختن نارسایی‌هایی چون ناکارایی تخصیصی، کساد سازمانی، مشکل کارگزاری و فساد در بخش عمومی و نیز تنش و تعارض‌های احتمالی بین سیاستمداران و بوروکرات‌ها، و در عین حال تقویت نظارت درونی، امکان عرضه کالای مدیریت عمومی بهتری را فراهم می‌کند. دولت از یک سو می‌تواند از طریق به‌سازی فردی، اجتماعی و

نهادی و نیز تدارک محیط اجتماعی اعتمادزا، زمینه تولید سرمایه اجتماعی را فراهم آورد و از سوی دیگر، با تضعیف منابع سازنده سرمایه اجتماعی به تخریب آن کمک کند.

صالحی و کاوسی (۱۳۸۶)، بر این اعتقادند که، هر چند سال یکبار به طور معمول جامعه یک رشته فعالیت‌های گسترده علمی و مدیریتی در سطح دولت با هدف تدوین برنامه‌ای برای هدایت و اجرای فعالیت‌های آبادگرانه کشور انجام می‌شود. درباره اهداف این برنامه‌ها و تلاش دست‌اندرکاران آن‌ها که در پی توسعه اقتصاد ملی کشور هستند تردیدی نیست، ولی بررسی دستاوردها و نتایج این برنامه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها با معضلاتی دست به‌گریبان است که از حرکت جدی به سوی پیشرفت جلوگیری می‌کند. از دیدگاه کلان این معضل را می‌توان در قالب سطح نازل شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی» در جامعه مورد مذاقه قرار داد. سرمایه اجتماعی تمام الزاماتی را که برای توسعه ضرورت دارند در خود جای می‌دهد. سرمایه اجتماعی یکی از چندین متغیر اصلی در فرآیند توسعه است. در این مقاله، به نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در سند چشم‌انداز ۲۰ساله پرداخته و در راه‌کارهای سرمایه‌گذاری برای سرمایه اجتماعی و نقش دولت‌ها در ایجاد سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رحمت‌الهی و همکاران (۱۳۹۵)، سیاست دولتهایی را از این منظر تحلیل می‌کنند که به ضرورت واگذاری بخشی از قدرت به شهروندان و پاسداشت حق همسان شهروندان و دولت در اعمال قدرت، وقعی نمی‌نهند. هدف اصلی مقاله آن‌ها، بررسی آثار مشارکت‌ناپذیری دولت در سرمایه اجتماعی است. از این رو، هر چه دولت در تحکیم فضای اعتماد و رضایت‌مندی عمومی، از طریق انتقال قدرت به شهروندان بکوشد و در برخورد با شهروندان مشارکت‌گرا جلوه کند، به همان نسبت جامعه را در برابر آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی مصون می‌دارد و به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

محمدیان منصور و همکاران (۱۳۹۷)، با استفاده از داده‌های ترکیبی استان‌های ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر اندازه دولت (سهم مخارج مصرفی و عمرانی دولت از تولید ناخالص داخلی) بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. بدین منظور، بر اساس رهیافت پاتنام و کلمن برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، سه سطح مشارکت، اعتماد و انسجام در نظر گرفته و به منظور ترکیب شاخص‌های مورد استفاده در این سطوح، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. برآورد الگوها نیز با استفاده از

تحلیل‌های هم‌جمعی ترکیبی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که سهم مخارج مصرفی و عمرانی دولت از GDP و مجموع این دو سهم، اثر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران داشته است. بنابراین، یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، اصلاح فعالیت‌های دولت است.

مقاله حاضر، ضمن آنکه مسئله‌ای کاملاً به‌روز را مورد بررسی قرار می‌دهد، در تفاوت با این مقاله‌ها به موضوع کارآمدی در سیاست‌گذاری کلان نیز توجه دارد و آن را یکی از عوامل مهم در کاهش سرمایه اجتماعی دولت دانسته که خود، موجب بی‌اعتمادی سیاسی گردیده است.

۳. مبانی نظری: سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی

در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از نیاز به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی، به سرمایه اجتماعی نیاز است، زیرا بدون این سرمایه، استفاده از سرمایه‌های دیگر به‌طور بهینه انجام نخواهد شد (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۰). مفهوم سرمایه اجتماعی در واقع ارتباطی نو میان اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست است. به گونه‌ای که صاحب‌نظران سیاسی با نگرشی نوین به بررسی شاخصه‌های ارزش‌های اجتماعی، خصوصاً ارزش ارتباطات مردمی برای دستیابی به هدف‌های مشترک کلان می‌پردازند (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۱).

به‌طور کلی سرمایه اجتماعی، منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیونددهنده عوامل اجتماعی است و موجب استفاده حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی برای رشد و توسعه و تعالی جامعه خواهد شد. سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی همچون، اعتماد، آگاهی، مشارکت، شبکه‌ها و هنجارها سنجیده می‌شود و جامعه‌ای که هریک از شاخص‌های یادشده در آن، زیاد باشد از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

در تعریف کلی، سرمایه اجتماعی را، مشارکت برای افزایش رفاه اجتماعی؛ توانایی به‌دست آوردن منابع و دارایی‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی؛ مجموعه شرایط و قواعد اخلاقی اجتماعی و رفتاری که به‌طور ضمنی رفتار افراد را شکل می‌دهد؛ درک هنجارها و ارزش‌های مشترک برخاسته از شبکه اجتماعی؛ نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت کنش و واکنش‌های اجتماعی در جامعه را شکل می‌دهد (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

مفهوم‌پردازی سرمایه اجتماعی عمدتاً مرهون مطالعات بوردیو، کلمن، فوکویاما، نان لین و پاتنام است، که به اختصار به آرای آنان در این زمینه پرداخته می‌شود.

بورديو از اولین کسانی است که تحلیلی منظم از سرمایه اجتماعی به‌دست داده است. بورديو سرمایه اجتماعی را انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که حاصل وجود شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود (مرشدي و شیری، ۱۳۸۷: ۱۹۶). از نظر وی، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده هستند. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی برای بورديو آن بستر فرهنگی ناشی از ساخت اجتماعی است که در ارتباط مستقیم با عادات افراد و میدان فرهنگی ناشی از کنش‌های اجتماعی، سازمان‌یافته و صورت‌بندی می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

نان لین، سرمایه اجتماعی به‌مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند برای افراد قابل دسترس می‌باشد (Lin, 1999: 7). همچنین وی برای سرمایه اجتماعی عنوان «دارایی ارتباطی» را به‌کار می‌برد. سرمایه‌گذاری در این شکل سرمایه نه بر روی فرد بلکه بر روی روابط صورت می‌پذیرد (Lin, 2001: 20).

جیمز کلن، جامعه‌شناس امریکایی، برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، «سرمایه اجتماعی شیئی واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی است و کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه است و دست‌یابی به‌هدف‌های معینی را در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. رابرت پاتنام، جامعه‌شناس ایتالیایی، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا، در شبکه، به‌عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. همچنین سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های سیاسی می‌داند. به‌اعتقاد او، سرمایه اجتماعی، وجوه

گونگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها را شامل می‌شود که با تسهیل اقدامات از طریق آن‌ها، کارایی جامعه بهبود می‌یابد. بنابراین از نظر وی، اعتماد یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی بوده که عامل تسهیل همکاری‌هاست و شبکه‌های اجتماعی نیز عامل گسترش اعتماد می‌باشد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

فرانسیس فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در میان‌شان مجاز است، در آن سهمیم هستند. البته مشارکت در ارزش‌های منفی باشد» (عباس‌زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸).

۱.۳ اعتماد سیاسی

اعتماد به‌عنوان پایه و اساس تعاملات و روابط اجتماعی، خاصه در روابط بین مردم و حکومت اهمیت بسیاری دارد (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱: ۵). ارزش کارکردی و مهم اعتماد در جلوگیری از به‌خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. اعتماد زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است و مبادلات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض، رضایت‌جانشین آن می‌شود و این یکی از هدف‌های مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه درصدد دستیابی به آن هستند. به‌طور کلی اعتماد یک احتمال عقلانی است که براساس آن یک کنش‌گر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران، رفتار آن‌ها را قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند (خانباشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹). بنابراین اعتماد، یک مؤلفه ضروری در همه روابط مستمر اجتماعی است و تنظیم‌کننده روابط افراد جامعه و نحوه کنش‌های آن‌ها نسبت به هم در همه محیط‌های کنشی می‌باشد. عرصه سیاسی را می‌توان یکی از محیط‌های کنشی، دانست که اعتماد در آن متوجه روابط بین مردم و حکومت است. اهمیت اعتماد سیاسی را می‌توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد: یکی از منظر فوایدی است که اعتماد برای نظام سیاسی به‌بار می‌آورد مثل اطاعت و حمایت مردم از سیاست‌گذاری‌ها و قوانین جامعه بدون توسل نظام سیاسی به‌زور و خشونت و همچنین پایداری نظام سیاسی و دیگری از منظر نتایجی است که برای مردم به‌بار می‌آورد مثل برخورداری مردم از امنیت

و آسایش و توجه به مطالبات و نیازهای مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱: ۶).

اعتماد از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، وجوه مختلف سازمان‌های اجتماعی مانند اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل و ایجاد امکانات هماهنگ، جامعه را کارا تر کنند (پانتام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). آلموند و وربا معتقدند که اعتماد بازتابی از فضای گسترده از اعتماد به وجود آمده بین افراد جامعه است. در واقع اعتماد عمومی قابل تبدیل به اعتماد سیاسی است. از نظر آن‌ها رقابت سیاسی و اعتماد متقابل یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مدنی است (Almond & Verba, 1963: 129). از نظر سیتزین، اعتماد سیاسی به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان باز می‌گردد. لیپست و اشنایدر هم در کالبدشکافی اعتماد، اطمینان سیاسی را به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی محدود دانسته‌اند. اعتماد سیاسی از نظر ایستون، مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات یا سوژه‌های سیاسی است (خانباشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹).

یک حکومت هنگامی برای مردم مشروعیت دارد که به آن اعتماد داشته باشند. اما کسب این اعتماد به عواملی بستگی دارد که از جمله آن‌ها به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۱. گسترش مشارکت واقعی مردم؛ ۲. قانون‌مندی نظام؛ ۳. افزایش کارایی در چهارچوب نظام اداری و ۴. توانایی نظام در ارتباط دادن ارزش‌ها به کارکردها و سیاست‌های نظام سیاسی (قوم، ۱۳۷۱: ۱۲۵).

۲.۳ نقش اعتماد سیاسی در کارآمدی دولت

اعتماد که اساسی‌ترین و مهم‌ترین جز سرمایه اجتماعی و در واقع جان‌مایه آن نیز هست، با تعدیل و از مطلوبیت انداختن نارسایی‌هایی چون ناکارایی تخصیصی، ناکارایی یا کساد سازی، سازمانی، مشکل کارگزاری، تنش و تعارض‌های احتمالی بین سیاستمداران و بوروکرات‌ها و فساد اقتصادی در بخش عمومی کشور و نیز تقویت نظارت درونی در آن، امکان عرضه کالای مدیریت عمومی پرکیفیت توسط دولت را فراهم می‌آورد (خضری، ۱۳۸۵: ۴۸). اعتماد سیاسی درک عمومی ناظر بر سیاست و ارزیابی مردم از چگونگی انجام وظایف دولت در مقایسه با انتظارات آن‌ها از کارایی دولت است. در ذات مفهوم اعتماد سیاسی

نوعی رابطه مبادله‌ای میان شهروندان و نظام سیاسی حاکم نهفته است. مردم برای رفع نیازهای خود به‌خصوص برای تأمین امنیت، آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با دولت دارند. این نیاز با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی روزبه‌روز بیشتر می‌شود، به‌نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیرممکن است. بیشتر دولت‌ها امروزه منتخب مردمند و دوام و بقای آن‌ها وابسته به حمایت و رضایت شهروندان است. تداوم این رابطه بدون وجود اعتماد دشوار است. افزایش اعتماد سیاسی، تعامل بین شهروندان و دولت را بیشتر و بهتر می‌کند. این تعامل به‌افزایش مشارکت سیاسی مردم منجر می‌شود. کاهش اعتماد سیاسی موجب عدم حمایت شهروندان از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار)، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی و بحران مشروعیت می‌شود. به‌همین دلیل، اعتماد سیاسی همیشه یکی از کانون‌های توجه حاکمان بوده است و آن‌ها به‌روش‌های مختلف سعی در افزایش اعتماد داشته‌اند (ساعی و روشن، ۱۳۹۲: ۶۰).

از نظر کنت نیوتن اعتماد سیاسی به ایجاد نهادهای کارآمد سیاسی و بهبود عملکرد دولت منجر می‌شود. نتیجه نهایی آن شکل‌گیری سرمایه سیاسی و فراهم‌سازی شرایط رشد جامعه مدنی است. این اعتماد تا اندازه زیادی مبتنی بر نحوه عملکرد نظام سیاسی تحت تأثیر مولفه‌های مانند تورم، بیکاری، فساد سیاسی یا ناتوانی نظام سیاسی، پیروزی یا شکست در جنگ، رشد اقتصادی و میزان جرم است. این‌ها شاخص‌های عملکرد دولت است که بر هر فردی اثر می‌گذارد. اگر چه بر همه افراد به یک اندازه موثر نیستند (Newton, 2001: 202-212).

۴. همه‌گیری کرونا و وضعیت دولت‌ها

دولت‌ها، در صف نخست مبارزه با کرونا قرار دارند. همین مسئله، کارآمدی آن‌ها را مورد پرسش قرار داده است و این کارآمدی، رابطه مستقیمی با «اعتماد» و «سرمایه اجتماعی» دارد. دولت‌ها، چه در مبارزه با بحران همه‌گیری موفق باشند چه در مهار آن ناکام، تلاش‌هایشان ربط مستقیمی با میزان سرمایه اجتماعی‌شان دارد. از این‌روست که «فرانسیس فوکویاما... اخیراً در تحلیلی، نوع حکومت را در مقابله با کرونا خیلی مهم ندانسته و مؤلفه مهم‌تر را «اعتماد» مردم به حکومت و کارآمدی آن عنوان کرده است.»

(شکوهی، ۱۳۹۹) مهار همه‌گیری، برای دولت‌ها، بر اساس یک موقعیت بحرانی معمولی نیست و این را می‌توان «موقعیتی استثنایی» دانست، چرا که هیچ‌کدام از دولت‌های جهان آمادگی لازم را برای مقابله با آن نداشتند و از این‌رو، به شدت به تکاپو افتادند تا به هر نحوی که شده، آن را مهار کنند. از سوی دیگر باید به این مقوله توجه کرد که بسیاری از

مردم جهان حق دارند که سیاست متخذه کشورها را در مبارزه سراسری با کرونا ناکارآمد پندارند و به‌همین سبب به‌یک ناآرامی اجتماعی فراگیر دست بزنند و از این طریق فریاد کنند که دولت‌ها دیر و از سر خوش خیالی و تکبر با این بیماری مهلک برخورد کردند و چوب آن را ملت‌ها به‌شکل بدی خورده‌اند. عوارض کرونا از این هم فراتر می‌رود. پیشتر کشورها به‌سوی یکی شدن و برداشته‌شدن مرزها پیش می‌رفتند و می‌خواستند به‌یک اصول مشترک برسند، اما حالا... به یکدیگر نگاه می‌کنند و پشت خود یک خنجر پنهان کرده‌اند تا اگر خطری از راه رسید، غافلگیر نشوند.

از سوی دیگر «مرزها به‌روی کشورهای دیگر مسدود شده‌است و از این پس کم‌تر توریستی با نگاه یک میهمان‌نوازی مهربانانه به‌دیار غربت قدم خواهد گذاشت». جهان در حال وارد شدن به‌عصری است که «دوره غربت‌ها و بی‌اعتمادی‌هاست و این خصلت‌های منفی به‌این زودی‌ها فروکش نخواهد کرد. این پروسه‌ای است که دنیا را در سال‌های پیش رو متأثر و منقلب خواهد کرد.» (ترترایس، ۱۳۹۹) و این، تنها یکی موضوعاتی است که می‌توان، «دولت‌ها را در ارتباط با این همه‌گیری در نظر گرفت.

موضوع دیگر، طیف کشورهای بی‌استه‌است که توانسته‌اند در مقابله با کرونا موفقیت یا شکست داشته باشند و در این میان، یک متغیر مهم دارای اهمیت است و آن «شفافیت» می‌باشد. چنانکه هر چقدر میزان شفافیت در دولت‌ها بیشتر بوده، کارآمدی آن‌ها نیز در مبارزه با این همه‌گیری موفق‌تر. برای مثال، «می‌شود به نیوزیلند اشاره کرد که براساس گزارش شفافیت بین‌الملل رتبه اول در میان کشورهای جهان را از حیث عاری‌بودن از فساد دارد و بیش از ۶۵ درصد مردم این کشور به حکومت‌شان اعتماد دارند.» و از کشورهای موفق در مبارزه با همه‌گیری است. از سوی دیگر «کشورهایی که تا حدودی در مقابله با کرونا موفقیت زیادی نداشته‌اند» مانند

بحران همه‌گیری کرونا و تأثیر آن ... (حامد عامری گلستانی و دیگران) ۱۲۵

آمریکا، اسپانیا و ایتالیا... براساس گزارش شفافیت بین‌الملل، از نظر نرخ «پایین» فساد، آمریکا رتبه ۲۳ در میان ۱۸۰ کشور را دارد و براساس آخرین نظرسنجی شبکه‌های ان‌پی‌آر و پی‌بی‌اس در سال ۲۰۲۰، بیش از ۶۰ درصد مردم آمریکا اعلام کرده‌اند به سیاست‌های دولت ترامپ در مقابله با ویروس کرونا اعتمادی ندارند. اسپانیا و ایتالیا رتبه‌های ۳۰ و ۵۱ را از حیث میزان فساد به خود اختصاص داده‌اند. براساس نظرسنجی انجام شده توسط USANEWS میزان اعتماد عمومی به سیاست‌های دولت ایتالیا در برابر ویروس کرونا در پایین‌ترین رتبه‌های جدول میان کشورهای متعدد قرار دارد و براساس گزارش OECD سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Organisation for Economic Co-operation and Development) میزان اعتماد به دولت اسپانیا در میان کشورهای اروپایی جزو کمترین‌هاست. (شکوهی، ۱۳۹۹)

این دو مقایسه مختصر، آن هم در میان کشورهای که عمدتاً توسعه یافته خوانده می‌شوند، نشان می‌دهد، در بحران‌های ناگهانی نظیر همه‌گیری کرونا، آنچه بیش از همه چیز دارای اهمیت است، کارآمدی دولت‌هاست نه الزاماً بودجه‌های کلان یا توان اقتصادی‌شان و در این میان، «شفافیت» نقش مهمی را در اعتماد سیاسی و به تبع آن کارآمدی دولت‌ها دارد.

به نظر می‌رسد کشورهای در تلاش‌های خود در مهار ویروس موفق‌تر هستند، مانند سنگاپور، کره جنوبی، تایوان که اعتماد بیشتری به نهادهای عمومی خود نشان می‌دهند. نخست‌وزیر سنگاپور لی هسین لونگ (Lee Hsien Loong) بارها بر اهمیت اعتماد هنگام بحران، درکنار تلاش چشم‌گیر آن کشور برای مهار کووید ۱۹، تأکید می‌کند. (Samanta, 2020) کسب اعتماد سیاسی از سوی دولت‌ها، در این «موقعیت استثنایی»، در عین حال به سیاستگذاری‌های کلان آن‌ها نیز باز می‌گردد. این سیاستگذاری‌ها، باید به نحوی باشد که بتواند حداکثر توانایی را برای دولت در «استخراج» مجدد سرمایه اجتماعی ایجاد کند، از این رو، بخش مهمی از مبارزه با بحران، به «توان» دولت‌ها و بخش مهمی از این توان به «سیاست»‌های آن‌ها باز می‌گردد. همچنین،

کرونا نشان داد که دولت‌هایی می‌توانند بهترین مواجهه با بحران را داشته باشند که از سطح سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. سرمایه اجتماعی در سطح ملی، اشاره به شبکه‌ها، تعاملات و هنجارهایی دارد که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را

شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی فقط مجموع نهادهایی که جامعه را تشکیل می‌دهند نیست بلکه سبب انسجام این نهادها نیز می‌شود. (خسروانی، ۱۳۹۹)

همین مقوله، مدخلی است بر بحث اصلی‌ای که در این مقاله دنبال می‌شود و آن، نسبت همه‌گیری کرونا با سرمایه اجتماعی دولت‌ها.

۵. بحران کرونا و سرمایه اجتماعی

مفروض اساسی در این مقاله آن است که «بحران همه‌گیری کرونا»، ارتباط مستقیمی با سرمایه اجتماعی دولت‌ها دارد و بسته به عملکرد و نیز سیاستگذاری دولت‌هاست که «پرسش» از کاهش یا افزایش آن ایجاد می‌شود. مسئله مهم در اینجا آن است که این بحران نشان داد که دولت‌ها اکنون «به شدت نیازمند اعتماد و جامعه مدنی قوی و موثری» هستند که «حلقه واسط دولت و مردم باشد، هم به لحاظ تاب‌آوری، هم آگاهی بخشی و هم بسیج‌کنندگی.» (پایگاه خبری اعتمادآنلاین، ۱۳۹۹) جامعه مدنی، جایی است که در آن «سرمایه اجتماعی» شکل می‌گیرد و عناصر آن را باید در آنجا جست. اما به این نکته مهم باید توجه داشت که، به وجود آمدن عنصر اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی «ایجاد اعتماد اجتماعی آنی و مقطعی نیست و نیازمند زمان و درک مشترک گروه‌های اجتماعی از انتخاب‌های جمعی است.» از منظر جامعه‌شناختی و کنش عقلانی «باید بحران کرونا را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی قلمداد» کرد که «توانسته در برخی از کنش‌های متقابل انسانی تغییر ایجاد کند و متعاقباً واقعیت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد» پس

می‌توان انتظار به‌حق مردم از دولت در کنترل بحران کرونا را یک امتحان برای این نهاد در نظر گرفت که از طرفی مردم نیز به عنوان ناظران این موقعیت در حال بررسی و مشاهده عملکرد این نهاد هستند. و در آخر اگر جامعه عملکرد نهاد سیاست در مقابله با بحران کرونا را موفقیت‌آمیز محسوب کند، این امر در بازسازی اعتماد اجتماعی می‌تواند نقش داشته باشد و در غیر این صورت این بحران منجر به کاهش بیش‌تر اعتماد اجتماعی در سطح جامعه خواهد شد. (سهرابی، ۱۳۹۹)

از این‌رو، بحران همه‌گیری کرونا، دوسویه است، رویی به سمت افزایش و دیگری به‌سوی کاهش عناصر «سرمایه اجتماعی»، در این میان این دولت‌ها هستند که بسته به نوع تعاملی که با جامعه مدنی دارند، و نیز توان‌مندی آن‌ها، می‌توانند از بحرانی که هیچ نوع

پیش‌بینی‌ای برای آن نکرده بودند گذر کنند یا در آن گرفتار شوند. در عین حال باید در نظر داشت که ساختار جامعه مدنی در هر کشور بیش از هر چیز می‌تواند دولت را در کسب اعتماد عمومی کمک کند. جوامعی که دارای جامعه مدنی پرسش‌گر و تأثیرگذار بر دولت هستند، از سویی دولت را مورد بازخواست برای اعمالش قرار می‌دهند و از سوی دیگر در سیاستگذاری‌های کلانی چون مهار بحران همه‌گیری کرونا به صورت کاملاً مشخصی به حمایت از آن می‌پردازند، چنانکه بالاتر از نیوزلند نام برده شد، در روز ویرایش نهایی این مقاله (مطابق با ۲۲ خرداد ۱۳۹۹)، اعلام شد که این کشور به صورت کامل کرونا را از بین برده است. همین خود نشان‌گر بسیاری از مسائلی است که می‌توان در مقوله اعتماد سیاسی، شفافیت و کارآمدی در مهار بحران همه‌گیری به آن اشاره کرد.

در عین حال،

در وضعیت کنونی مطلقاً سرمایه‌های اجتماعی هستند که بیشترین پتانسیل برای مبارزه نسبی و حداقلی با کرونای دشمن را دارا هستند. به طور مبسوط‌تر سرمایه‌های اقتصادی کاربرد خاصی ندارند، در حال ارزش‌زدایی هستند و مأموریت حفاظت بهداشتی و غذایی از شهروندان را بر عهده دارند. البته بین سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی حکم شرطی برقرار است و زمانی که سرمایه‌های اقتصادی - چه ارزشی، چه میزان - در یک جامعه از حد استاندارد خارج شود و فقر تولید کند، سرمایه‌های اجتماعی به تنازع بقا مبدل می‌شود. سرمایه‌های فرهنگی کاملاً در حاشیه قرار گرفتند و ناملموس‌ترین سرمایه جاری در زندگی روزمره شده‌اند. البته که بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی هم پیوند تاریخی وجود دارد و این سرمایه‌های فرهنگی هستند که به استحکام سرمایه‌های اجتماعی جوامع گوناگون اصالت می‌بخشند و کنش متقابل نمادین برگرفته از فرهنگ تاریخی کثیری از جوامع در مقابل بحران، گویای ماجرا است. (صادقی، ۱۳۹۹)

این را نیز باید در نظر داشت که،

تبعات کرونا فقط مسائل اقتصادی نیست که بگوییم مثلاً قشرهای ضعیف را گرسنه می‌کند و ما اگر آن‌ها را سیر کنیم دیگر کار تمام است. این بخشی از موضوع است. مسئله اعتماد عمومی، کارآمدی نهادها، شفافیت، سرمایه اجتماعی و نظایر این‌ها وقتی در اثر کرونا تشدید شوند، حل آن‌ها صرفاً ناظر به مسئله یک‌سری

پرداخت‌های اقتصادی نیست. این‌ها جواب‌های اجتماعی کلانی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی می‌طلبند. (معیدفر، ۱۳۹۹، ۳)

حوزه‌ای که باید چنان دقیق طراحی شود و مقولات آن پیوند درستی داشته باشند که بحران‌هایی چون کرونا را، هر چند دشوار و غیرقابل پیش‌بینی، در کمترین زمان مهار کند. همچنین باید در نظر داشت «با توجه به تجارب مختلف کشورهای جهان در مقابله با بحران کرونا به نظر می‌رسد وجود اعتماد و سرمایه اجتماعی تأثیر مهمی در کنترل این بحران دارد و نبود آن طبیعتاً مقابله با این بحران را دچار مشکل می‌کند.» (سهرابی، ۱۳۹۹) چرایی این موضوع به آن باز می‌گردد که «توان» مادی دولت‌ها، از هر نظر، به تنهایی چاره این مبارزه نیست و تنها اعتماد فراگیر عمومی است که می‌تواند راه خروج برای این بحران غافل‌گیرکننده باشد.

یک مطالعه مقدماتی در دانشگاه یورک، با استفاده از داده‌های پروژه سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهد، ایالت‌هایی که سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی را دارند، واکنش‌های سریع‌تری در زمینه گسترش کووید ۱۹ داشته‌اند. (Brown, 2020) در عین حال این را نیز باید در نظر داشت، جوامعی که فاقد اعتماد اجتماعی و سرمایه هستند و از رویکرد مدیریت بحران کاملاً تحت نظارت، از بالا به پایین، کنترل می‌شوند، به احتمال زیاد، فرصتی برای ایجاد و حفظ روابط قابل اعتماد و سرمایه‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی نخواهند داشت. (Chatzopoulou, 2020)

۶. کرونا و سرمایه اجتماعی دولت در ایران

در بحران همه‌گیری کرونا، در جامعه ایران، دو گونه بحث درباره مقوله اعتماد اجتماعی به دولت، که به صورت مستقیم سرمایه اجتماعی دولت را در نظر داشت، در گرفت. عده‌ای همه‌گیری و بحران متعاقب آن را موجب کاهش اعتماد به دولت دانسته و آن را به کاهش سرمایه اجتماعی، پیش از آن مرتبط دانسته و در مقابل، برخی این بحران را مقدمه‌ای برای بازسازی اعتماد از دست رفته دولت می‌دانستند. هر دوی این دیدگاه‌ها، به کاهش اعتماد اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی دولت پیش از بحران اذعان داشتند. در این میان سخن بر سر آن بود که چنین اعتمادی چگونه در چنین بحرانی، که با بحران‌های دیگر سیاسی و

اقتصادی دولت در داخل و خارج تلاقی کرده است، بازسازی می‌شود. این را می‌توان در گفتار سخن‌گویی دولت نیز دید که می‌گوید:

در حال حاضر مشکلات ناشی از شیوع بیماری سوار بر بی‌اعتمادی‌های گذشته شده و با اعتماد لطمه خورده غلبه بر بحران با مشکل مواجه می‌شود... از این رو باید گزاره‌های «اعتمادسازی» مجدداً از حیث کارکرد مورد بازبینی قرار گرفته و زمان پساکروناپی مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفته و تلاش شود تا اعتماد از دست رفته بازسازی شود. (ربیعی، ۱۳۹۸)

تأکید دولت‌مردان بر «اعتمادسازی»، بیان‌گر از دست رفتن بخشی از اعتماد سیاسی و در نتیجه «سرمایه اجتماعی» دولت در چند سال اخیر است. دولت، پس از اینکه در بخشی از سیاست‌های داخلی خود نتوانسته بود پاسخ‌گویی شعارها و وعده‌های خود شود، به طور فزاینده‌ای با بحران سرمایه اجتماعی مواجه شد و اگر چه، خود، این را بیش از همه به تبلیغات مخالفان ربط می‌دهد، اما، نمونه‌هایی از این نارضایتی، که به صورت آشوب‌ها و پیش از آن تجمعات متعدد اعتراضی رخ نمود، و بیشتر اقتصادی و مربوط به عملکردهای دولت بوده، نشان از کاهش بیش از پیش سرمایه اجتماعی دولت دارد و عیان‌ترین آن، ورود پیدا نکردن حامیان دولت به مجلس در آخرین انتخابات بود، هر چند که سطح مشارکت در آن نیز خود یکی دیگر از نشانه‌های کاهش اعتماد سیاسی محسوب می‌شود.

در تداوم مسئله بالا، به این مسئله مهم باید نیز توجه داشت که «در ۱۱ سال گذشته یعنی از سال ۸۸ به بعد سرمایه اجتماعی در کشور با شیب تندی رو به کاهش رفته است. این سرمایه سه محور دارد: ۱. اعتماد عمومی ۲. مشارکت ۳. پویایی شبکه. آمارها حاکی از آن است که اعتماد عمومی چه به صورت افقی و چه به صورت عمودی به شدت کاهش یافته است. صورت افقی آن این است که مثلاً هنگام خرید، این ذهنیت را داریم که فروشنده قصد کلاه گذاشتن سر خریدار را دارد به همین دلیل چانه می‌زنیم تا قیمت را کاهش دهیم، اما اعتماد عمودی، کاهش شدید اعتماد به مسئولان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بزرگ و کوچک است. در حال حاضر کشور ما در اعتماد عمودی، وضعیت ناهنجاری دارد» و پیش‌بینی می‌شود در چندسال آینده جامعه با سه آسیب اصلی روبه‌رو شود که

مهم‌ترین آن، کاهش سرمایه اجتماعی است. اعتماد عمومی به عنوان محور اصلی سرمایه اجتماعی، از عواملی است که مردم را نسبت به توصیه‌ها و حرف‌های دولت تحت تاثیر قرار می‌دهد که آن را بپذیرند یا خیر؟ به همین نسبت در مشارکت مردمی نیز شاهد کاهش چشم‌گیری هستیم؛ چیزی که دولت نیز آن را به‌خوبی می‌داند. (شریفی یزدی، ۱۳۹۹)

همچنین همه‌گیری کرونا را می‌توان

در امتداد تاریخچه‌ای از سلسله حوادث و رخداد‌های اخیر جامعه ایران فهم کرد. زنجیره رخداد‌هایی همچون زلزله کرمانشاه، سیل‌های ۹۸، اعتراضات آبان‌ماه، سقوط هواپیمای اکرایی و... که در آن‌ها ترکیبی از بی‌اعتمادی و ناکارآمدی، منجر به رفتار خاصی در جامعه شده است که می‌توان از آن تحت عنوان «خودآیینی جامعه» در برابر تصمیمات و برنامه‌های نهاد قدرت نام برد. به این معنا که جامعه به‌معنای اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی در مواجهه با این سلسله رخداد‌ها، در فضای ذهنی مبتنی بر بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و ناکارآمدی آن‌ها، فارغ از تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی نهاد قدرت و حتی بی‌اعتنا و یا در تقابل با آن‌ها، راه خود را درپیش گرفته و استراتژی‌های مبتنی بر خلاقیت خود را ملاک کنش‌ها و رفتارهای خود قرار می‌دهند. در حالی که در مواجهه با شیوع کرونا، نهادهای رسمی بر درپیش گرفتن روال عادی امور تأکید می‌کنند، مردم از فرستادن فرزندان خود به مدرسه و دانشگاه امتناع می‌کنند و در مقابل در حالی که دولت بر خودقرنطینی مردم و پرهیز از تردد تأکید می‌کند، بخشی از مردم نجات خود از کرونا را در ترک شهر محل اقامت و مسافرت به شهرهای به‌زعم آن‌ها امن‌تر می‌بیند. (جنادله، ۱۳۹۸)

این «خودآیینی»، برآمده از بی‌اعتمادی به گفتار دولت در مسئله کرونا، حداقل در ابتدای همه‌گیری آن در ایران است که جامعه مدنی، سعی کرد که به جای اتکا به دولت و پیروی از رهنمودهای آن، راه «خود» را در پیش گیرد. بی‌اعتمادی، نوعی «خود» و «دیگری» میان دولت و مردم ایجاد می‌کند که موجب رفتارهای خاصی از سوی مردم می‌گردد و حتی اگر سیاست‌های دولت، به نفع آن‌ها و سلامتی‌شان باشد، به دیده تردید به آن می‌نگرند. این موضوع، خود موجب طرح پرسش دیگری می‌شود آن آن است که اگرچه

در عموم تحلیل‌های اجتماعی از بحران کرونا به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده نهاد دولت در جوامع بیان شده که همبستگی و نظم اجتماعی را به‌دلیل اهمیت انسانی آن

بحران همه‌گیری کرونا و تأثیر آن ... (حامد عامری گلستانی و دیگران) ۱۳۱

افزایش داده است و در ایران نیز کارکردهای مهمی برای دولت داشته است. اما این‌که چطور دولت می‌تواند از این امکان و بحران اخیر برای ترمیم و بازسازی اعتماد اجتماعی استفاده کند. (سهرابی، ۱۳۹۹)

در این میان، یکی از تحلیل‌هایی که می‌توان گرهی از این پرسش باز کند، این است که

مبارزه با کرونا در ایران، از همان روزهای اول با چاشنی بازی‌های سیاسی و جناحی آمیخته شد. از اواسط روز انتخابات دوم اسفند ۱۳۹۸، بازار شایعات داغ شد. دولت متهم شدند به اینکه از مدت‌ها قبل از ورود ویروس خطرناک آگاه شده‌اند و آن را پنهان کرده‌اند. درست یا نادرست، تشکیک در زمان شروع ویروس کرونا و سپس تلفات آن، به‌حاشیه‌ای پررنگ از متن تبدیل شد. (مهاجری، ۱۳۹۹)

شفاف نبودن ابتدایی مسئله همه‌گیری، و عدم اطلاع‌رسانی درست نسبت به این مقوله، باعث شد که راه برای ایجاد شایعه، به‌عنوان جایگزین اخبار درست و تخریب‌کننده اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، باز کند. اکنون

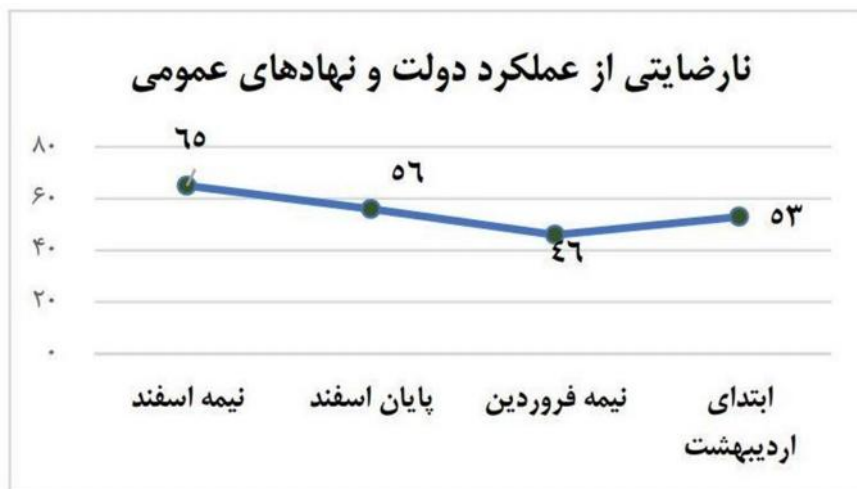
برای بازتولید سرمایه اجتماعی در شرایط کنونی، جامعه نیازمند ارتباط، اعتماد، آرامش و آموزش است. در چنین شرایطی باید با توجه به نقش فضای دیجیتال و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و بستر پیام‌رسان مورد علاقه مردم، پیش از شکل‌گیری شایعات و اخبار جعلی، تلاش شود تا با بیان حقیقت، اعتبار منبع در منظومه ارتباطی جامعه افزایش پیدا کند. (سیناپرس، ۱۳۹۸)

عدم شفافیت نخستین در مسئله کرونا، موجبات گسترش شایعات را فراهم کرد و در جامعه‌ای که شایعه، جای واقعیت را بگیرد، نمی‌توان انتظار اعتماد و نیز رفتار مبتنی بر آگاهی درست جمعی را انتظار داشت، همچنین، شایعات، به‌خصوص در مواقع بحرانی، آن هم در این سطح وسیع و غافل‌گیرکننده، موجب می‌شود که سیاست‌گذاری دولت به‌درستی و به‌موقع عمل نکند. پس در این وضعیت، «سرمایه‌های اجتماعی در ایران علی‌رغم وجود، در یک بی‌ثباتی قدم برمی‌دارد؛ یعنی هم اعتماد وجود دارد (مشارکت اکثریت در طرح فاصله‌گذاری اجتماعی) و هم ندارد (بی‌اعتنایی بخشی از مردم به آمار رسمی نسبت مبتلایان و فوت‌شدگان کرونا)». (صادقی، ۱۳۹۹)

از سوی دیگر، در

چرخه معیوب ارتباطی، رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی به واسطه انتشار آزاد اطلاعات و دسترسی به محتوای دل‌خواه مخاطبانش نقش جدی اطلاع‌رسانی را برعهده می‌گیرد و در واقع اعتماد عمومی با اطلاع‌رسانی و در بسیاری از مواقع انتشار اخبار جعلی جریحه‌دارتر و بی‌اعتمادتر از قبل می‌شود. انتشار ویدئوهای جعلی از کادر درمان، آمار بی‌اساس از مبتلایان و جان‌باختگان و توصیه‌های عجیب برای دوری از این بیماری از زبان افراد متخصص نتیجه‌ای جز افزایش مبتلایان نداشته است. طبیعی است که سیاستگذاران رسانه‌های بیگانه نیز از این آب گل‌آلود ماهی خود را می‌گیرند و بادقت و رصد دقیق، حفره‌های اطلاع‌رسانی را آن‌گونه که برنامه‌ریزی کرده‌اند در ذهن مخاطبان خود پر می‌کنند و این شکاف عمیق و عمیق‌تر می‌شود. (کشاوری، ۱۳۹۹)

در اینجا باید در نظر داشت، چرایی اعتماد مردم به رسانه‌های بیگانه و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی به جای رسانه‌های رسمی کشور، پرسشی است که پاسخش را باید در شیوه اطلاع‌رسانی جست. موضوعاتی همچون: افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها، بحران بنزین، حادثه هواپیمای اوکراینی در سکوت خبری یا اعلام غیرواقعی خبرها در رسانه‌های رسمی به بی‌اعتمادی مردم دامن زد، و زمینه‌گرایش بیش از پیش آن‌ها را به رسانه‌های بیگانه، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی، فراهم ساخت. (قزوینیان، ۱۳۹۸) بر اساس نظرسنجی‌هایی که توسط سه نهاد «معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران»، «مؤسسه اسپا» و «دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، انجام شده است، «بی‌اعتمادی به آمار رسمی» و «نارضایتی از عملکرد دولت و نهادهای عمومی» در چهار موج نظرسنجی به شرح زیر بوده است:



منبع: (عبدی، ۱۳۹۹)



منبع: (عبدی، ۱۳۹۹)

نمودارها، گویای آن هستند که در ابتدای همه‌گیری کرونا در ایران، اصل «بی‌اعتمادی» به دولت و نارضایتی از عملکرد آن بوده است. می‌توان گفت علی‌رغم فراز و نشیب کم این آمار، کماکان نارضایتی و بی‌اعتمادی از دولت، تا حدود زمان نگارش این مقاله، وجود دارد و می‌تواند، چنانکه در بالا هم آمد، برآمده از نارضایتی نسبت به کارآمدی و عمل‌کرد دولت

به صورت کلی باشد و نشان از سرمایه کاهش یافته اجتماعی دولت. در این زمینه می توان این مثال را مطرح کرد که در «کاهش یکباره مواد ضد عفونی و ماسک در داروخانه های سراسر کشور، با اینکه از اوج نگرانی مردم و دغدغه های آنان در حوزه خودمراقبتی نشان داشت، ولی از سویی دیگر نشانه ای از بی اعتمادی به مدیریت شرایط بحرانی محسوب می شد.» (ایرنا، ۱۳۹۸)

۷. کرونا، کارآمدی دولت و سرمایه اجتماعی در ایران

بخشی از کاهش اعتماد سیاسی به دولت در بحران همه گیری کرونا، به مقوله کارآمدی آن بازمی گردد و این ناکارآمدی را می توان حتی پیش از آن نیز در برخی از مسائل مشاهده کرد. با مشاهده این بحران می توان گفت «تمامی مشکلات ساختار سیاسی ایران کمابیش در آن دیده می شود. مشکلاتی که نه فقط در بحران کرونا که در همه امور کشور بازتاب دارد.» (عبدی، ۲۰۲۰) در این میان،

وضعیت سیاسی ایران از حیث ارتباطش با این واقعه چند ویژگی دارد؛ اولین ویژگی آن سیاسی کردن هر واقعه غیرسیاسی است. دومین ویژگی غلبه نگاه کوتاه مدت است. سومین ویژگی ناتوانی ساخت قدرت به دلیل شکاف درون ساختاری در اعمال قدرت و اقتدار به صورت عمومی و نیز بر برخی از بخش های جامعه و هم چنین عوام زدگی نزد بخشی از جامعه است که صدای بلندی دارند و بالاخره فقدان نهاد رسانه ای معتبر و رسمی که مورد اعتماد مردم باشد و شکاف عمیق میان حکومت و مردم است. (عبدی، ۱۳۹۸)

شکاف میان دولت و مردم، از شکاف های دیرینه در جامعه و سیاست ایران است و سرمایه اجتماعی می تواند پرکننده این شکاف باشد از این رو، هنگامی که سخن از ناکارآمدی دولت می شود، این شکاف بیش از گذشته فعال و گسست میان دولت و مردم افزون تر می شود. در این میان باید توجه داشت که «ویروس کرونا، کارایی حکمرانی در ایران را به چالشی اساسی کشیده است. هر رویداد و حادثه ای، آزمونی است برای هر نظام حکمرانی. ولی اپیدمی کرونا واجد ویژگی های منحصر به فردی است که هیچ کدام از آزمون های قبلی واجد مجموعه این ویژگی ها نیستند.» (عبدی، ۲۰۲۰) کارآمدی دولت در مدیریت این بحران هم از سوی بخشی از افکار عمومی مورد سؤال است. وجود ابهامات

زیاد و پرسش‌های بی‌پاسخ در مورد چرایی قرنطینه نشدن قم به‌عنوان منشأ شیوع این ویروس، به‌رغم توصیه کارشناسان از همان روزهای نخست، افکار عمومی را به‌خود مشغول کرد. همچنین انتشار اخباری در مورد کمبود تجهیزات محافظتی و پزشکی، تصمیمات موازی و گاه ضدونقیض در مورد بستن دیر هنگام مسیرهای جاده‌ای و ورودی شهرهای درگیر و بازگشایی آن‌ها، اظهارات و تصمیمات ضدونقیض در مورد تعطیلی یا کاهش ساعات کاری ادارات شهرهای درگیر و... همگی بخشی از افکار عمومی را نسبت به کارآمدی و توانمندی دستگاه‌ها در مدیریت بحران بدبین کرد. (ایرنا، ۱۳۹۸)

بحران کرونا فرصت خوبی است تا در ایران «دولت شیشه‌ای یعنی دولتی که شفاف عمل می‌کند» تجربه و «میزان موثر بودن آن را در مدیریت کشور» سنجیده شود. چنان‌که، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظام حکمرانی کشور «ضعف سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی» است. از این رو «به نظر می‌رسد پدیده کرونا فرصت خوبی است تا نظام حکمرانی» در ایران «با عملکرد شفاف خود این بی‌اعتمادی را تا حد زیادی جبران کند و پس از پایان ماجرای کرونا چهره‌ای مقبول از خود به نمایش بگذارد.» (خسروانی، ۱۳۹۹) در ایران برای موفقیت در زمینه مبارزه با کرونا نیازمند آن است که میزان اعتماد عمومی به کارآمدی سیاست‌هایش را افزایش دهد. شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و اعلام دلایل واقعی این تصمیم‌ها به میزان زیادی به این اعتماد کمک می‌کند... دولت می‌تواند در مسیر شفافیت‌زایی روشن و واضح توضیح بدهد که برای مثال «به دلایل تحریم و شرایط اقتصادی و بودجه‌ای، ناگزیر از دادن اجازه فعالیت به واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی» بوده یا علت ناتوانی

دولت در حمایت مالی از اقشار آسیب‌دیده، چه مواردی بوده است. عدم روشن‌گری دولت در این زمینه باعث شکل‌گیری و انتشار دلایل کاذب و شایعات زیادی می‌شود که به اعتماد عمومی به دولت آسیب جدی می‌زند. همین امر هم سبب می‌شود مردم همکاری مناسبی با سیاست‌های دولت نداشته باشند. (شکوهی، ۱۳۹۹)

بازتولید سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، منوط به حسن کارکرد حاکمیت سیاسی است و به نحوه عملکرد دولت‌ها و نظام قانون‌گذاری بستگی دارد. مؤلفه‌های گوناگونی برای رسیدن به آن نقش دارند. نقش نخبگان سیاسی برای بازتولید اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی امیدوارکننده است؛ از جمله راه‌کارهای مؤثر: پرهیز از اعلام برنامه‌های

خیال‌پردازانه، شفافیت در عمل‌کردهای مالی و اقتصادی، مبارزه واقعی با فساد و از همه مهم‌تر، داشتن شفافیت و صداقت با مردم است. ویروس کرونا، آلودگی هوا، تحریم‌های ظالمانه، قیمت‌های سر به فلک کشیده، بی‌عدالتی‌های اقتصادی و تمامی مشکلات جامعه را می‌توان با رعایت مصداق‌های سرمایه‌اجتماعی، از جمله: ایجاد حس همدلی، گسترش اعتماد عمومی، از خودگذشتگی و وفاق ملی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی برطرف کرد. (قزوینیان، ۱۳۸۹)

۸. نتیجه‌گیری

حال، باید به این پرداخت که سبب نوشتن این نوشتار چه بوده است. «جامعه ما و علی‌الخصوص دولت ما به شدت نیاز به بازسازی سرمایه‌های اجتماعی دارد و برای این امر برنامه‌ریزی بلندمدت و تقویت جامعه مدنی از الزامات است.» (صادقی، ۱۳۹۹) بدون وجود میزان قابل ملاحظه‌ای سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد، نه تنها دولت حاضر، که بعدی‌ها از آنان نیز قادر به حل مشکلات نخواهند بود. بحران همه‌گیری کرونا، نشان داد که در موقعیت بحرانی، کارآمدی دولت بیش از همه چیز به جایی باز می‌گردد که بتواند همراهی و «اعتماد» اقشار مختلف مردم را داشته باشد. مهم‌ترین نتیجه «اعتماد»، فائق آمدن بر مشکلاتی است که ناخواسته دولت را درگیر خود می‌کند. در عین حال، مشکل آن است که دولت یازدهم، دارای مشکلات عدیده‌ای در داخل و خارج بود و چند ماهی بیش‌تر از آشوب‌های آبان ۱۳۹۸ نگذشته بود که موجب کاهش بسیار شدید اعتماد عمومی به دولت شده بود و در انتخابات هم کمترین میزان مشارکت بعد از انقلاب به خصوص در شهرهای بزرگ رقم خورد و بحران همه‌گیری کرونا، باعث شد که شکاف عمیق ایجاد شده در آبان تا حدی تشدید شود. اگرچه دولت سعی زیادی برای ترمیم شکاف سیاسی اجتماعی میان خود و مردم کرد، اما، بیش از همه مشکل از جایی بود که همه‌گیری احتیاج به حد بالایی از اعمال اقتدار داشت تا دولت بتواند سیاست‌های محدودکننده خود را پیاده کند و از قضا کمبود اعتماد سیاسی اجتماعی، موجب شد که برخی از آن‌ها به نتیجه درست نرسد و خود دولت نیز از آن‌ها عدول کند. افزایش سفرها، یکی از نشانه‌هایی بود که اعتماد به‌گفتار و سخن دولت را زیر سؤال برده بود.

باری! بحران همه‌گیری کرونا بازسازی سیاستگذاری کلان دولت در جمهوری اسلامی را به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل کرده است. اکنون زمان آن است که دولت، با افزایش اعتماد عمومی، راهی جدید برای سیاستگذاری را در پیش گیرد. بدون وجود یک سیاست کلان مبتنی بر اعتماد فراگیر عمومی، دولت را در مقابل بحران‌ها زمین‌گیر خواهد کرد و تفاوت چندانی در گرایش سیاسی دولت نیز وجود نخواهد داشت، چرا که اکنون به نظر می‌رسد، این بی‌اعتمادی فراتر از گرایش‌های سیاسی معمول در جمهوری اسلامی است و دیوار آن فراتر از حدی است که انتظار آن می‌رفت، اما نه آن‌قدر ستبر است که نتوان آن را فرو ریخت و مناسبات جدیدی را با مردم تعریف کرد. همچنین، از آنجا که ارکان سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و مشارکت هستند، برای بازسازی اعتماد در حال از دست رفتن دولت، هیچ چیز مناسب‌تر از برتری دادن به نظام شبکه‌ای شهروندان برای مشارکت نیست. کرونا این درس مهم را به دولت داد که بدانند، ورای گرایش‌های سیاسی، مسئله از دست رفتن بنیان‌های مهم اعتماد عمومی نسبت به آن است و این اعتماد، می‌تواند با ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی و واقعی بازسازی شود و از این‌رو مشارکت مردم را در امور مربوط به دولت آسان‌تر کند. این، تنها راهی است که می‌توان سرمایه اجتماعی در حال افول دولت را بدان بازگرداند و گرنه همین ناپایداری، به دولت بعدی که یک سال و اندی دیگر تشکیل خواهد شد انتقال پیدا خواهد کرد و چه بسا همین بی‌اعتمادی موجب کاهش مشارکت در انتخابات بعدی و به دنبال آن افول بیشتر سرمایه اجتماعی دولت شود.

کتاب‌نامه

- ایرنا. (۱۳۹۸)، کرونا و تازه‌ترین عیارسنجی اعتماد عمومی، در سایت ایرنا، آدرس <https://www.irna.ir/> تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۲۰، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.
- پانتام، رابرت (۱۳۷۷)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پایگاه خبری اعتمادآنلاین (۱۳۹۹)، بیانیه حزب «اتحاد ملت» درباره ابربحران کرونا. آدرس <https://etemadonline.com>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۱/۳۰، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.
- ترتیریس، برونو (۱۳۹۹). آغاز عصر غربت و بی‌اعتمادی‌ها، در سایت اقتصادآنلاین، آدرس <https://www.ehtesadonline.com>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

جنادله، علی (۱۳۹۸)، بحران کرونا و «خودآیینی جامعه» در شرایط «سیاست‌زدگی» و «فرسودگی سرمایه اجتماعی». در سایت انگاره، آدرس <https://engare.net> تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۲۲، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)، تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)، دانش سیاسی سال هشتم، (۱۶): ۵-۲۶.

خانباشی، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، نقش عوامل راهبردی محیطی در تبیین اعتماد سیاسی (با تأکید بر عامل میانجی اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی)، چشم‌انداز مدیریت دولتی، (۱۰): ۷۷-۱۱۲.

خسروانی، عباس (۱۳۹۹)، کرونا فرصتی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی دولت، در سایت پایداری ملی، آدرس <http://paydarymelli.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۱۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

خضری، محمد (۱۳۸۵)، دولت و سرمایه اجتماعی، مطالعات راهبردی، دوره ۹، شماره ۳۱، ۳۱-۵۲. ربیعی، علی (۱۳۹۸)، اعتماد و سرمایه اجتماعی عمومی عامل شتاب دهنده عبور موفق از بحران کرونا. در سایت خبرگزاری برنا، آدرس <https://www.borna.news>، تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۱۹، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

رحمت‌الهی، حسین و همکاران (۱۳۹۵)، کاهش سرمایه اجتماعی، دولت و مشارکت مردم. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۳، (۳): ۴۳۵-۴۶۱.

رهبر، عباسعلی و فاطمه حیدری (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقا سیاست‌گذاری، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. دوره ۴، (۱۴): ۲۱۹-۲۵۳.

ساعی، علی و تینا روشن (۱۳۹۲)، تحلیل فازی اعتماد سیاسی استادان دانشگاه، مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، (۲): ۵۹-۸۶.

سهرابی، رضا (۱۳۹۹)، اعتماد اجتماعی در عصر کرونا، در سایت روزنامه فرهیختگان، آدرس <http://farhikhtegandaily.com>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۱/۲۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۸.

سیناپرس (۱۳۹۸)، کرونا مساله نیست، مساله بحران سرمایه اجتماعی است، در سایت سیناپرس، آدرس <https://sinapress.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۱۳، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

شریفی یزدی علیرضا (۱۳۹۹)، بی اعتمادی به دولت و بی تفاوتی نسبت به خطر کرونا!، در سایت دیدارنیوز، آدرس <https://didarnews.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۱/۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

بحران همه‌گیری کرونا و تأثیر آن ... (حامد عامری گلستانی و دیگران) ۱۳۹

شکوهی، سعید (۱۳۹۹)، آثار اعتماد عمومی به دولت‌ها در مبارزه با کرونا. در سایت روزنامه دنیای اقتصاد. آدرس <https://donya-e-eqtasad.com>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۶، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

صادقی، امیرحسین (۱۳۹۹)، کرونا و سرمایه اجتماعی؛ بلا و برکت؟. در سایت ایرنا. آدرس <https://www.irna.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۱۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

صالحی، رضا و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۶)، دولت و سرمایه اجتماعی در افق چشم‌انداز ۲۰ساله، راهبرد، (۴۳): ۱-۲۳.

عباس‌زاده، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، (۱): ۱۴۵-۱۷۲.

عباس‌زاده، محمد و لیلا مقتدایی (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی و دانش‌آفرینی. انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، (۱): ۳-۳۸.

عبدی، عباس (۲۰۲۰)، بحران کرونا؛ نماد تمام مشکلات ساختاری در ایران، در سایت خبرگزاری آنا، آدرس: <https://www.aa.com.tr/fa>، تاریخ مطلب ۲۰۲۰/۳/۲۶، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

عبدی، عباس (۱۳۹۸)، وجه سیاسی کرونا در ایران، در سایت روزنامه اعتماد، آدرس: <http://www.etemadnewspaper.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۸.

عبدی، عباس (۱۳۹۹)، کرونا، فرصتی برای بازسازی اعتماد. در سایت خبرگزاری تسنیم. آدرس <https://www.tasnimnews.com>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۲۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی. ترجمه جلال متقی. تهران: موسسه تامین اجتماعی.

قزوینیان، جمشید (۱۳۹۸)، بحران سرمایه اجتماعی تهدیدی مهلک‌تر از کرونا. خبرگزاری ایبنا. آدرس <http://www.ibena.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۸/۱۲/۱۲، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۳/۲۲.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱)، بی‌اعتمادی و نظام سیاسی. جامعه سالم. سال دوم، شماره ۶.

کشاورز، سیمین (۱۳۹۹)، جایگاه سرمایه اجتماعی در روزهای کرونایی (کرونا و بازگشت به‌خود)، سایت همشهری آنلاین. <https://www.hamshahrionline.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۱/۲۶، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.

محمدیان منصور، صاحبه و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران. اقتصاد و الگوسازی. دوره ۹، (۱) (پیاپی ۳۳): ۵۵-۸۷.

مرشدی، ابوالفضل و حامد شیری (۱۳۸۷)، مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران و اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌های شهر تهران. جامعه‌شناسی ایران دوره نهم. (۳) و (۴): ۱۹۴-۲۲۵.

معیدفر، سعید (۱۳۹۹)، احیای جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی نیاز دوران پسا کرونا. روزنامه ایران، یکشنبه ۳۱ فروردین، (۷۳۲۵).
مهاجری، محمد (۱۳۹۹)، بازیابی سرمایه اجتماعی. در سایت ایرنا. آدرس <https://www.irna.ir>،
تاریخ مطلب ۱۳۹۹/۲/۲۲، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۲/۲۵.
نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۷)، نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی. راهبرد یاس، (۱۴): ۱۶۶-۱۸۰.

Almond, Gabriel Abraham and Varba, Sidney (1963). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*. New Jersey: Princeton University Press.

Brown, Patrick T. (2020). Interpersonal Solidarity and the Spread of COVID-19. Retrieved from <https://www.jec.senate.gov/public/index.cfm/republicans/2020/4/interpersonal-solidarity-and-the-spread-of-covid-19>, APR 16 2020, available in 11/6/2020.

Chatzopoulou, Sevasti (2020). Social trust and government responses to Covid-19, Retrieved from <https://www.socialeurope.eu/social-trust-and-government-responses-to-covid-19>, 4th May 2020, available in 11/6/2020.

Lin, N. (1999). Building A Network Theory of Social Capital. Pp.3-30 In *Social Capital: Theory And Research*, N. Lin. K Cook And R.S. Burt (Eds.) New York: Aldine De Gruyere.

Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure And Action*. Uk: Cambridge University Press.

Newton, Kennet. (2001). Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy. *International Political Science Review*. 22. (2): 201- 214.

Samanta, Tannistha, (2020). A Beginner's Guide to the Importance of Social Capital During a Pandemic. Retrieved from <https://thewire.in/government/physical-distancing-social-capital-coronavirus-pandemic-public-confidence>, 30/MAR/2020, available in 11/6/2020.